فجر انقلاب تا طلوع موعود

مانیفست یک انقلاب دائمی: از عهد فجر تا بیعت ظهور

درس‌نامه‌ای برای انقلابی ماندن در مسیر ظهور

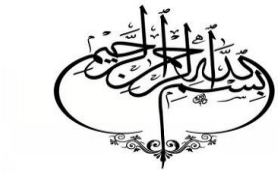
از دعای عهد

دی ماه ۱۴۰۴

«شورای مشاوران»

شورای هماهنگی تبلیغات اسلامی

فجر انقلاب تا طلوع ظهور



مقدمه: «فجرِ انتظار: گفتمان تجدید عهد انقلابی در پرتو نیمه‌شعبان»

اللّٰهُمَّ إِنِّي أُجَدِّدُ لَهُ فِي صَبِيحَةِ يَوْمِي هٰذَا وَمَا عِشْتُ مِنْ أَيَّامِي عَهْداً وَعَقْداً وَبَيْعَةً لَهُ فِي عُنُقِي

لَا أَحُولُ عَنْها وَلَا أَزُولُ أَبَداً

امسال، تقارنی نمادین و پر معنا، افق ایران اسلامی را نورباران خواهد کرد: ولادت منجی موعود عالم بشریت، حضرت مهدی صاحب‌الزمان(عج)، در نیمه‌ی میانی ماه بهمن، با دهه‌ی مبارک فجر، که یادآور طلوع خورشید انقلاب اسلامی است، هم‌آغوش شده است. این پیوند، تنها یک هم‌زمانی تقویمی نیست؛ **بیانیه‌ای است معنوی از تداوم یک راه** .گویی فجر انقلاب، بازتابی از آن نورِ عدلِ موعود در افق تاریخ معاصر است، و انتظار فرج، بهاری را نوید می‌دهد که ریشه در درخت تنومند انقلاب اسلامی دوانده است.

در این فضای روح‌افزا و امیدآفرین، که یاد گذشته‌ی پرافتخار و چشم‌انداز آینده‌ی درخشان را یکجا در خود جمع کرده، لازم است به سراغ متونی برویم که بتوانند **چارچوب فکری و عملی این تداوم راه** را برای ما ترسیم کنند. متونی که از عمق باورهای اصیل شیعی برآمده و در عین حال، نقشه‌ی راهی برای حرکت در مسیر آرمان‌های بلند انقلاب اسلامی ارائه می‌دهند.

یکی از گران‌بهاترین این متون، «**دعای عهد**»است. این دعا، که از امام معصوم(ع) به یادگار مانده، تنها یک مناجاتِ عادی یا فهرستی از درخواست‌ها نیست. بلکه، **یک میثاق نامه‌ی الهی-انسانی، یک منشور تربیتی و یک بیانیه‌ی استراتژیک ؛ مانیفست یک انقلاب دائمی در درون و برون** و به‌مثابه **یک گفتمان انقلابی و نظام معرفتی پایدار** برای همه‌ی دلبستگان به راه حق و منتظران ظهور است. مطالعه و تبیین این دعا در آستانه‌ی این دو مناسبت بزرگ، فرصتی است تا بار دیگر **بنیان‌های فکری و اخلاقی حرکت خود** را بر اساس آموزه‌های ناب مهدوی مرور و تحکیم بخشیم.

بر این اساس، و با توجه به ضرورت تدوین محتوایی راهبردی برای کانون‌های فکر و اندیشه و گروه‌های تبلیغی، **جزوه‌ی «فجر انقلاب تا طلوع موعود»**تدوین گردیده است. در این جزوه، فرازی از این دعا در پنج سرفصل کلیدی بازخوانی می‌شود؛ سرفصل‌هایی که از **تجدید روزانه‌ی عهد** آغاز می‌شود و تا **استمرار تاریخی آن در مسیر ظهور** امتداد می‌یابد. امید است این تبیین، چراغی فراروی همه‌ی رهپویان این مسیر باشد. **ان شاالله**

تجدید عهد انقلابی

برگرفته از دعای عهد حضرت امام صادق (ع)

(ویژه کانون‌های فکر و اندیشه و گروه‌های تبلیغی)

سرفصل اول: انقلابِ هر صبحگاه (أُجَدِّدُ لَهُ فِی صَبِیحَةِ یَوْمِی)

- **معرفت انقلابی :**انقلابی‌گری، یک رویداد یک‌باره نیست، **یک فرآیند همیشگی** است. همان‌گونه که جهان هر لحظه در تجدید است، انقلابیِ حقیقی نیز باید هر روز **خود، آرمان‌ها و عهدش را نو کند** .صبحگاه، نماد پایان تاریکی و آغاز **تجلیِ جدید حق** است. ما هر روز باید با طلوع خورشید، **طلوع مجددِ التزاممان** را اعلام کنیم.
- **کاربرد تبلیغی :**در تبلیغ، بر **تجدید عهد روزانه** به‌عنوان سلاح علیه «عادت‌زدگی» و «سکولاریسم عملی» تأکید کنید. مؤمن، سربازی است که هر صبح با وضو گرفتن و خواندن این دعا، **یونیفرم اعتقادی خود را می‌پوشد** و برای نبرد فکری و عملی روز آماده می‌شود.

سرفصل دوم: تمامیت‌خواهیِ عهد (وَمَا عِشْتُ مِنْ أَیَّامِی)

- **معرفت انقلابی :**عهد انقلابی، **جزئی‌نگری و بخشی‌اندیشی** را برنمی‌تابد. «تمامِ روزهای زندگی» یعنی تمام ابعاد وجود :**فردی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی** .این عهد، **محدود به عبادات شخصی نمی‌شود**؛ بلکه بر **ساحت‌های علم، عمل، سبک زندگی و حتی خواب و خوراک** نیز حاکم است. این، نفی **نفاق عملی** و **تقسیم‌بندی حوزه‌های دینی و سکولار** است.
- **کاربرد فکری :**در کانون‌های اندیشه، از این فراز می‌توان برای نقد **نگرش‌های اخلاقی و دینی منفک از مسئولیت‌های اجتماعی** استفاده کرد. نظام فکری متعهد، نظامی است **یکپارچه** که همه‌چیز را در پرتو ولایت می‌بیند.

سرفصل سوم: زنجیرِ مسئولیت (عَهْداً وَعَقْداً وَبَیْعَةً لَهُ فِی عُنُقِی)

- **معرفت انقلابی :**این سه واژه، سطوح مختلف **تعهد عملی** را ترسیم می‌کنند:
  - **عهد :**پیمان باطنی و قلبی. (خط‌مشی ایدئولوژیک)
  - **عقد :**قرارداد عملی و قانونمند. (تشکیل ساختار، نهاد و نظام)
  - **بیعه :**بیعت عملی با رهبر. (تبعیت عملی و اجرایی)

  اینها **زنجیر مسئولیت** را می‌سازند که بر گردن ماست. این گردن‌اندازی، **سبک‌بارانه نیست، گران‌بهاست** .این، پذیرش **تکلیف** به‌جای طلب **حق** است.
- **کاربرد تبلیغی :**انقلابی بودن، تنها شعار و هیجان نیست؛ **پذیرش زنجیر مسئولیت‌های سنگین اما افتخارآمیز** در قبال خدا، ولیِّ خدا و مردم است. این، **پرچمداریِ دشوار** است.

سرفصل چهارم: استقامتِ ایدئولوژیک (لَا أَحُولُ عَنْها)

- **معرفت انقلابی :**دشمن اصلی انقلاب‌های اصیل، **انحراف (حَول)** است؛ انحراف از اصول، آرمان‌ها و خط اصلی. این فراز، شعار **ضد انحراف** و **ضد التقاط** است. ما **چرخش‌پذیر** نیستیم. این، **ثبات‌خط‌مشی فکری** در برابر جریان‌های مُدِ روز، فشار دشمن و زرق و برق‌های دنیاست.
- **کاربرد فکری :**در مباحث اندیشه، از این شعار برای **تقویت روحیه نقدِ جریان‌های انحرافی** و **پایداری بر اصول مکتب** استفاده شود. پایبندی به عهد، یعنی **نفی نسبیت‌گرایی مذهبی** در اصول.

سرفصل پنجم: استمرارِ تاریخی (وَلَا أَزُولُ أَبَداً)

- **معرفت انقلابی :**این ندا، پاسخ به **پروژه ناامیدی و یأس** دشمن است. آنها می‌خواهند ما را **موقتی، زوال‌پذیر و متعلق به گذشته** جلوه دهند. اما ما با اعلام «لا أزول أبداً»، خود را **جریان همیشه زنده و حاضر در تاریخ** معرفی می‌کنیم. این، **انقلاب تا فراتر از تاریخ** است. این عهد، به یک نسل خاص محدود نمی‌شود؛ **میراثی است که باید نسل به نسل، با قدرت و غرور بیشتر منتقل شود.**
- **کاربرد تبلیغی و فکری :**این بخش، **اساس کار تشکیلاتی و نسل به نسل** است. به اعضای گروه‌ها بیاموزید که آنها **حلقه‌ای از زنجیره بی‌پایان** هستند. وظیفه آنها نه فقط حفظ، که **تقویت و تحویل این مشعل به دست نسل بعد** است. این، بهترین پاسخ به **شبیخون فرهنگی دشمن** برای قطع نسل‌ها است.

جمع‌بندی و فراخوان عمل:

این دعا، **چارچوب نظری یک «انقلاب دائمی»** را به ما می‌دهد:

۱. **تجدید روزانه (نفی رکود)**
۲. **شمول کامل (نفوذ در تمام ساحت‌ها)**
۳. **مسئولیت‌پذیری (پذیرش عهد، عقد و بیعه)**
٤. **ثبات خط (نفی انحراف و سازش)**
٥. **استمرار نسل‌ها (نفی زوال و یأس)**

وظیفه ما:
تبلیغ این دعا، تنها آموزش متن نیست؛ **انتقال این روحیه انقلابی و این نظام معرفتیِ ثابت‌قدم** است. باید این دعا را از حاشیه ادعیه‌نامه‌ها به **مرکز برنامه‌ریزی فکری و عملی** خود برگردانیم.
بیاییم هر صبح، با خواندن این دعا، بیانیه انقلاب خود را صادر کنیم

سرفصل اول: انقلابِ هر صبحگاه (أُجَدِّدُ لَهُ فِی صَبِیحَةِ یَوْمِی)

۱ .تحلیل مفهومی و ژرف‌شناسی: صبحگاه به مثابه گسست و آفرینش

الف) معناشناسی «تجدید» در گفتمان انقلابی:
«تجدید» به معنای نوکردن، احیا و بازآفرینی است. این واژه، یک اقدام ارادی، آگاهانه و فعالانه را می‌رساند؛ نه یک نو شدن منفعلانه و طبیعی. «تجدید عهد» یعنی این پیمان، هر روز باید با اراده‌ای نو و شعوری تازه **انتخاب** شود، نه اینکه میراث روز قبل باشد. این، نفی «اتوماتیسم» در عبادت و التزام است. انقلابی که انتخابش روزانه نباشد، به مرور به یک عادت فرهنگی بی‌جان تبدیل می‌شود.

ب) فلسفهٔ زمانیِ «صَبِیحَةِ یَوْمِی»:
صبحگاه، لحظه‌ی عبور از تاریکی به روشنایی، از سکون به حرکت، و از خواب به بیداری است. این زمان، نماد چند مفهوم کلیدی است:

- **پایان سلطهٔ شب :**شب، نماد غفلت، تاریکی و توقف است. صبح، اعلان پایان هرگونه تسلیم در برابر تاریکی‌های فکری و عملی است.
- **آغاز تجلی :**اولین پرتوهای نور، نماد تجلی حق و ظهور امکان‌های جدید است. عهد صبحگاهی، هم‌اهنگ کردن حرکت فرد با این سیلان تجلیات الهی در عالم است.
- **تقدم بخشیدن به حق :**اولین لحظه‌ی هشیاری و اولین کلام روز، به «او» و تجدید عهد با «او» اختصاص می‌یابد. این، عملی است برای تنظیم کل روز تحت سیطره‌ی این اولویت.

۲ .معرفت انقلابی: انقلاب به مثابه یک «رویداد روزمره»

الف) نقد رویداد انگاری یک‌باره:
انقلاب، اگر تنها به عنوان یک واقعهٔ تاریخی در گذشته تعریف شود، به «موزه» تبدیل می‌گردد. «تجدید روزانه»، استراتژی زنده نگه داشتن انقلاب در **حال** است. این نگاه، انقلاب را از یک «اتفاق» به یک «فرآیند همیشگی» و از یک »خاطره» به یک «وظیفهٔ جاری» ارتقا می‌دهد. نفس کشیدن انقلاب، در این تجدید روزانه است.

ب) سلاح اصلی علیه عادت‌زدگی و عُرفی‌سازی:

بزرگترین خطر برای یک انقلاب پس از تثبیت، «عادی شدن» آن است؛ یعنی تبدیل آرمان‌های بلند به بخشی از منظومهٔ عادات روزمرهٔ بی‌حرارت. تجدید عهد صبحگاهی، یک عملیات شوک‌درمانی روزانه علیه این عادی‌سازی است. این عمل، با شکستن روال ممتد زندگی عرفی، هر روز «حس انقلابی بودن» را تازه می‌کند و مانع از آن می‌شود که انقلاب، به «وضعیت موجود» بدل گردد.

ج) بسیج روزانه در برابر جنگ روانی مستمر:
جبههٔ دشمن (استکبار، نفس اماره، شیطان) هر روز طرحی نو در می‌اندازد. جنگ، متوقف نمی‌شود، فقط قالب‌هایش تغییر می‌کند. بنابراین، «قرارگاه ایمان» نیز نیاز به **بسیج و آرایش جدید روزانه** دارد. خواندن این فراز، مانند گزارش آمادگی و اعلام درجهٔ بسیج یک سرباز به فرماندهٔ کل قوا (امام عصر عج) است. این، نگرشی کاملاً **نظامی-استراتژیک** به عبادت است.

۳ .کاربرد فکری، تبلیغی و تربیتی

الف) در کانون‌های فکر و اندیشه (کاربرد فکری):

- **نقد سکولاریسم عملی :**این فراز، عملی ترین نقد به «سکولاریسم عملی» است؛ آن اندیشه که دین را به حوزهٔ خصوصی و غیرروزمره تبعید می‌کند. «تجدید روزانه» نشان می‌دهد دین، اولین و اصلی ترین امر یک روز است.
- **معیاری برای نقد رکود فکری :**جوامع فکری و تشکیلاتی که فاقد این روحیهٔ تجدید روزانه باشند، دچار تولید اندیشه‌های تکراری و کلیشه‌ای می‌شوند. این فراز، بر ضرورت نگاه تازه به مسائل قدیمی تأکید دارد.

ب) در گروه‌های تبلیغی و تربیتی (کاربرد تبلیغی-تربیتی):

- **تربیت انسان «صباح‌اندیش»:** باید نسل جوان را به گونه‌ای تربیت کرد که مسائل خود و جامعه را با نگاه «صبحگاهی» ببیند؛ یعنی با امید، نوآوری، و اعتقاد به امکان تغییر، نه با نگاه خسته و غروب اندیشانه.
- **آموزش «مناسک زنده»:** در تبلیغ، باید این دعا را نه به عنوان متنی قدیمی، بلکه به عنوان یک **ابزار کاربردی مدیریت روحیه و زمان** آموزش داد. مانند وضو که مقدمهٔ نماز است، این دعا نیز می‌تواند «وضوء ایدئولوژیک» برای آغاز یک روز انقلابی باشد.
- **پاسخ به یأس نسلی :** این تجدید روزانه، پادزهر احساس تکرار و یأس است. هر روز، فرصتی جدید برای ساختن، اصلاح و حرکت است.

٤. لایه‌های عرفان نظری و عملی:

الف) عرفان نظری: تجلی اسم «المحیی» و «الباعث»

در حکمت متعالیه، عالم هر لحظه در حال **خلق جدید** است («كُلَّ يَوْمٍ هُوَ فِي شَأْنٍ»). صبحگاه، تجلی آشکارترین مظهر **اسماء حیات‌بخش** خداوند است. «تجدید عهد»، هماهنگ کردن اراده و وجود خویش با این **سیلان دائمی حیات از مبدأ غیب** است. انسان راکد، مانند آبی راکد است که گندیده می‌شود. عارف انقلابی، خود را در **رودخانه بی‌پایان تجلیات حق** می‌اندازد و هر صبح، **وجود خود را در مقام فقر ذاتی** بازمی‌یابد و عهد می‌بندد.

ب) عرفان عملی: مُجاهده نفس و مراقبه صبحگاهی
در سیر و سلوک، اولین دشمن، **نفس اماره** است که هر شب با وسوسه‌های جدید بازمی‌گردد. تجدید عهد صبحگاهی، یک **عملیات پیش‌دستانه** است. این، **ورزشگاه روح** است. سالک با این کار:

- **مراقبه (مراقبة الوقت) :**خود را در آغاز روز محاسبه و کنترل می‌کند.
- **تفکر (فی ذمة الله) :**بار امانت الهی را بر دوش خود احساس می‌کند.
- **تذکر (ذکر ولیّ الله) :**هدف نهایی و قبله حرکتش را یادآوری می‌کند تا در حوادث روز گم نشود.

این، **نیایشی پویا** است، نه مناجاتی انفعالی. عارف، با این عهد، **قصد قربت** خود را برای تمام اعمال روز تصحیح

٥. جمع‌بندی و پیام کلیدی

»أُجَدِّدُ لَهُ فِي صَبِيحَةِ يَوْمِي» فقط یک عبارت نیایشی نیست؛ **بیانیهٔ هستی‌شناختی یک انقلابی** است. این فراز اعلام می‌کند که:
١ .**بقای من، مشروط به تجدید است :**من به عنوان یک انسان انقلابی، اگر هر روز خود را نسبت به آرمان‌هایم نو نکنم، می‌میرم.

۲ .**انقلاب من، رویدادی مستمر است :**انقلاب من با طلوع هر آفتاب، از نو متولد می‌شود و در تاریخ تکرار می‌گردد.
۳ .**اولویت من، هر روز از نو تعیین می‌شود :**اولین تصمیم روزانه‌ام، تأکید بر همان انتخاب اصلی است. این، تمرین وفاداری است.
۴ .**آماده‌باش من، دائمی است :**من در حالت بسیج دائمی به سر می‌برم و هر صبح، آمادگی خود را اعلام می‌کنم.

نتیجه برای گفتمان انقلابی و عمل تشکیلاتی:
هر مومنی که، خود را ملزم به این «تجدید عهد روزانه» ندانند، به تدریج روحیهٔ خود را از دست می‌دهند و به نهالهای خشک و بی ثمر تبدیل می‌شوند. این فراز، **ضربان قلب حیات انقلابی** است. تجویز نهایی برای زنده ماندن در مسیر طولانی انقلاب و انتظار، چیزی جز این تپش روزانه نیست. این، سوخت موتور حرکتِ همیشگی به سوی «آرمان‌شهر مهدوی» است.

«أُجَدِّدُ لَهُ فِی صَبِیحَةِ یَوْمِی» یک **فرآیند وجودی چندلایه** است:

- **در سطح فلسفی :**یک **ضرورت سیستمیک** برای مبارزه با مرگ تدریجی اعتقاد.
- **در سطح انقلابی :**یک **قیام روزمره** علیه عادی‌سازی آرمان‌ها و نرم‌شدن در برابر دشمن.
- **در سطح عرفانی :**یک **همنوایی با تجلی دائمی حق** و یک **تمرین جهاد اکبر** برای یک سلوک دائمی.

سرفصل دوم: تمامیت‌خواهیِ عهد (وَمَا عِشْتُ مِنْ أَیَّامِی) تبیین بر اساس مفاد ارائه‌شده با رویکردی نظام‌مند

۱ .تحلیل مفهومی: از عهد شعاری تا عهد وجودی

الف) معناشناسی «تمامیت‌خواهی» در گفتمان انقلابی:

این فراز، عهد را از یک **تعهد شعاری یا مناسکی محدود** به یک **چارچوب حاکم بر کل زیست‌جهان فرد انقلابی** ارتقا می‌دهد. «تمامی روزهای زندگی» بیانگر **امتداد زمانی بی‌وقفه** و نیز **اشباع مکانی تمام عرصه‌های حیات** است. عهد، همچون **هوا** می‌شود که در همه لحظات و همه فضاها جریان دارد و تنفس بدون آن ممکن نیست.

ب) نفی تفکیک مدرن و نفاق عملی:

دنیای مدرن با **تقسیم زندگی به حوزه‌های مستقل** (دین در کلیسا، اقتصاد در بازار، سیاست در پارلمان) سعی در **محصورسازی ایمان** دارد. «وَمَا عِشْتُ مِنْ أَیَّامِی» پاسخی انفجاری به این تقسیم‌بندی است. این فراز اعلام می‌کند که **عهد ولایی، یک سیستم عامل است نه یک نرم‌افزار جانبی** .این، نقد بنیادین **نفاق عملی** است؛ یعنی آن حالت که فرد در مسجد «انقلابی» است اما در بازار «سرمایه‌دار»، در خانواده «مستبد» و در فضای مجازی «مستهجن».

۲ .معرفت انقلابی: نظام یکپارچه ولایی و نفی بخشی‌اندیشی

الف) عهد به مثابه قانون اساسی شخصی:
همان‌گونه که قانون اساسی بر **تمام قوانین و روابط** در یک کشور حاکم است، این عهد نیز **قانون اساسی وجود انقلابی** است. هیچ‌گونه **استثنا، تعطیلی یا منطقه حائل** ندارد. این نگرش، **انقلاب درونی** را تکمیل می‌کند: انقلابی

که تنها در تظاهرات و سخنرانی‌ها حاضر باشد، **انقلاب نمایشی** است. انقلاب حقیقی، در **سکوت مطالعه، در دقت معامله، در لطافت برخورد با خانواده و در مشقت کار روزانه** نیز جاری است.

ب) شمولیت حوزه‌های هفتگانه زیست انقلابی:
عهد «تمامِ روزهای زندگی» حداقل بر این هفت حوزه **حاکمیت مطلق** دارد و آنها را از حالت **سکولار** خارج و به **مقدس** تبدیل می‌کند:
۱. **حوزه فردی و اخلاقی :**عبادات، خلقیات، نیت‌ها، سلامت جسم و روان.
۲. **حوزه خانوادگی :**روابط با همسر، فرزند، والدین بر اساس عدل و مهر ولایی.
۳. **حوزه اقتصادی :**کسب حلال، انفاق، پرهیز از احتکار، اسراف و رباخواری.
۴. **حوزه اجتماعی :**تعامل با مردم با صدق، عدالت، امر به معروف و نهی از منکر.
۵. **حوزه سیاسی :**تحلیل رویدادها بر اساس ولایت، نفی طاغوت، دفاع از مستضعفان.
۶. **حوزه علمی و فرهنگی :**انتخاب سوژه تحقیق، جهت‌دهی هنر و تولید محتوا در مسیر تمدن‌سازی اسلامی.
۷. **حوزه زیست‌جهان مجازی :**هر کنش در فضای مجازی، از کامنت و لایک تا اشتراک‌گذاری، تابع این عهد است.

۳. کاربرد فکری: نقد گسست معرفتی و تربیت انسان منسجم

الف) نقد اخلاق سکولار و دین خصوصی:
در کانون‌های فکر و اندیشه، این سرفصل ابزار قدرتمندی برای **نقد رایج‌ترین آفت فکری**، یعنی **جدایی اخلاق اجتماعی از التزام دینی** است. بسیاری «انسان خوب» می‌شوند بدون آنکه «انسان متعهد» باشند. این فراز نشان می‌دهد **انسان کامل انقلابی، انسانِ «خوبِ متعهد» است**؛ خوبی‌اش از سر تعهد است، نه از سر عرف جامعه. این، **نفی اخلاق خودبنیاد بشری** و **تأسیس اخلاق ولایی** است.

ب) تربیت انسان «منسجم» به جای انسان «چندپاره»:
هدف تعلیم و تربیت انقلابی، ساختن انسان **یکپارچه، بدون تناقض و دارای وحدت رویه** در همه شئون زندگی است. «تمامیت‌خواهی عهد» **الگوی این انسجام** را ارائه می‌دهد:

- **وحدت در فکر :**اصول مکتب، مبنای همه تحلیل‌ها.
- **وحدت در گفتار :**زبان، ترجمان وفادار به عهد.
- **وحدت در عمل :**همه رفتارها، نمود عینی وفاداری.

این انسان، **قابل پیش‌بینی در اصول** اما **خلاق در روش‌ها** است. دشمن نمی‌تواند او را با **تقسیم حوزه‌ها** دچار شکاف شخصیتی کند.

ج) تولید الگوهای جامع عملی:

در مطالعات فکری، به جای پرداختن به **تک‌بُعدی‌های انتزاعی** (مثلاً فقط اقتصاد اسلامی یا فقط سیاست اسلامی)، باید **الگوهای جامع زندگی** تولید کرد که نشان دهد چگونه یک **فعال دانشجویی، یک تاجر، یک هنرمند یا یک خانه‌دار** می‌تواند «تمامی روزهای زندگی» خود را در ذیل این عهد مدیریت کند. این، **گذار از تئوری‌های جزیره‌ای به منظومه‌های عملیاتی** است.

۴. جمع‌بندی و پیام کلیدی:

»وَمَا عِشْتُ مِنْ أَيَّامِی «**بیانیه حاکمیت مطلق عهد بر حیات انقلابی** است. این شعار بیانگر:

۱ .**نفی رادیکال تفکیک :**مبارزه با اساسی‌ترین توطئه مدرنیته علیه دین، یعنی **حصارکشی دور آن.**
۲ .**انقلاب به مثابه سبک زندگی :**تبدیل انقلاب از یک **رویداد تاریخی** یا **شغل سیاسی** به **روش زیستن در همه ساحت‌ها.**
۳ .**ضدیت با ریاکاری ساختاری :**از بین بردن امکان **زندگی دوگانه** و **وفاداری پاره‌وقت.**
۴ .**تولید انسجام درونی :**ساخت شخصیتی که **وجدان، عقل، قلب و عمل** او همگی در یک جهت (ولایت) همنوا هستند.
۵ .**معیار سنجش صداقت :**آزمون نهایی یک انقلابی، نه در شعارها، که در **همنوایی تمام لحظات و حرکات زندگی او با عهدش** است.

نتیجه برای گفتمان انقلابی:

گفتمانی که بر این سرفصل استوار است، هرگز به **نخبه‌گرایی منفک** یا **عمل‌گرایی بی‌فکر** رضایت نمی‌دهد. بلکه **نظریه و عمل، شخص و جامعه، مقدس و عرفی** را در یک **کل زنده و پویا** ادغام می‌کند. وظیفه ما، **تبیین مصادیق این تمامیت در جهانِ پیچیده امروز** و **آموزش مهارت زندگی کردن به صورت «یکپارچه‌ی متعهد»**است. تنها چنین انسان‌هایی هستند که می‌توانند **تمامی روزهای تاریخ** را به سمت ظهور، همراهی کنند.

سرفصل سوم: زنجیرِ مسئولیت (عَهْداً وَعَقْداً وَبَیْعَةً لَهُ فِی عُنُقِی) تبیین بر اساس مفاد ارائه‌شده با رویکردی ساختاری و الزام‌آفرین

۱ .تحلیل مفهومی و ژرف‌شناسی: از تعهد ذهنی تا زنجیره عملی

الف) معناشناسی سه‌گانه مسئولیت: ابعاد یک التزام کامل:
این سه واژه، صرفاً مترادف‌هایی برای تأکید نیستند، بلکه **سلسله‌مراتبی از تعمیق و تحقق** را ترسیم می‌کنند:

- **عهد :پایه معرفتی و قلبی .**اینجا نقطه آغاز است: یک **تصمیم درونی**، یک **جهت‌گیری ایدئولوژیک** و یک **پیمان باطنی با حقیقت .**این مرحله بدون آن، بقیه مراحل پوچ و صوری است. عهد، **منشور فکری** انقلاب است.
- **عقد :پایانِ انتزاع و آغازِ تجسد .**عقد به معنای **قرارداد، پیوند و ایجاد ساختار** است. اینجاست که اندیشه، **سازمان، نهاد، قانون و نظام** می‌یابد. از عهد فردی به **پیمان اجتماعی** می‌رسیم. انقلاب در این مرحله، از یک "ایده" به یک **"نهاد ماندگار "**تبدیل می‌شود. این، **نفی انقلاب‌های احساسی و بی‌قاعده** است.
- **بیعه :نقطه اوج تعین و تبلور عملی .**بیعت، **ارجاع عملی آن پیمان و آن ساختار به یک شخصِ ولیّ امر** است. این، مرحله **تبعیت اجرایی، فرمانبرداری عملی و اتصال به کانون واحد تصمیم‌گیری** است. بیعت، **ضامن اجرایی شدن عقد و عهد** است و از پراکندگی و هرج‌ومرج جلوگیری می‌کند.

ب) استعاره «در گردنم»: از افتخار تا سنگینی:
عبارت «فی عنقی» (در گردنم) دو پیام متضاد و مکمل دارد:

۱. **افتخار و شرافت :**مانند مدال‌ها و نشان‌هایی که بر سینه قهرمانان می‌آویزند. این زنجیر، **نشانه تعلق و وابستگی به یک جبهه مقدس** و **مظهر هویت** است.

۲. **سنگینی و تکلیف :**مانند **غل و زنجیر اسیران** که حرکت را دشوار اما جهت را مشخص می‌کند. این، **پذیرش آگاهانه محدودیت‌ها، سختی‌ها و بار مسئولیت** است. انقلابی با این زنجیر، **دیگر خودسر و سلیقه‌ای عمل نمی‌کند؛ محکوم به حرکت در مسیر تعهداتش است.**

۲ .معرفت انقلابی: انقلابی‌گری به مثابه نظام‌سازی و تبعیت

الف) نقد «انقلاب زدگیِ بدون نظام»:
گفتمان رایج لیبرال و پست‌مدرن، انقلاب را یک **«ضدیت» و «شورش» کور** علیه هر نظم موجودی تعریف می‌کند. اما این فراز به وضوح اعلام می‌کند که انقلاب اصیل، پس از مرحله تخریب نظم باطل، بلافاصله وارد فاز **«ایجاد نظم حق»** می‌شود (عقد). انقلابی که به ساخت نظام و قانون (عقد) و تبعیت از رهبری آن (بیعه) تن ندهد، **محکوم به هرج‌ومرج یا بازگشت به استبداد پیشین** است.

ب) پاسخ به فردگرایی رمانتیک:
جریان‌های روشنفکری و برخی گرایش‌های عرفان‌نمای منحرف، «تعهد» را امری **کاملاً شخصی، درونی و فاقد شاخص بیرونی** می‌دانند. این فراز، **نقد این رمانتیسیسم مسئولیت‌گریز** است. تعهد واقعی **حتما** باید به **قرارداد اجتماعی (عقد)** و **بیعت عملی با یک مرجعیت (بیعه)** منجر شود، در غیر این صورت توهمی بیش نیست.

۳ .کاربرد فکری و تشکیلاتی: معماری نظام مسئولیت

الف) طراحی ساختارهای الزام‌آور:
در کانون‌های اندیشه، از این سرفصل برای **نظام‌مند کردن عمل انقلابی** استفاده می‌شود:

- **تبدیل شور انقلابی به اساسنامه، آیین‌نامه و ساختار تشکیلاتی.**
- **تدوین «سند مأموریت» و «چارچوب‌های پاسخگویی» برای نهادها و گروه‌ها.**
- **تعریف دقیق سلسله مراتب، اختیارات و مسئولیت‌ها بر مبنای بیعت با رهبری کلی نظام .**این نگاه، **تشکیلات را از حالت محفلی و احساسی خارج کرده، به یک نهاد مولد و پاسخگو تبدیل می‌کند.**

ب) تبیین فلسفه «ولایت‌مداری» به مثابه عینیت بخشیدن به عهد:
بیعت، نقطه اتصال عهد فردی به پروژه جمعی است. در گفتمان فکری باید تبیین شود که **ولایت‌مداری، نه یک انتخاب سلیقه‌ای، که ضرورت منطقی و عملی تحقق «عقد» است .**بدون این بیعت، **عقدها متعدد و متعارض می‌شوند و در نهایت «عهد»ها نقش بر آب می‌گردند.**

۴ .کاربرد تبلیغی و تربیتی: تربیت سربازان مسئولیت‌پذیر

الف) تغییر نگرش از «طلب حق» به «پذیرش تکلیف»:
تبلیغ مبتنی بر این فراز، مستقیم با **فرهنگ رایج مصرف‌گرایی و حق‌محوری** مقابله می‌کند. به جوانان باید آموخت که **والایی، در طلبیدن امتیاز نیست، در پذیرفتن تکلیف است .**این زنجیر، **همان پرچم است؛ اما پرچمی که باید آن را با تمام سنگینی‌اش در میدان نگاه داشت .**این، **تبدیل حس «من می‌خواهم» به حس «من موظفم»** است.

ب) عینیت بخشیدن به وفاداری:
برای نسل جوان که وفاداری را مفهومی انتزاعی می‌دانند، باید این سه‌گانه را به **شاخص‌های عملی** ترجمه کرد:

- **عهد :**مطالعه، باور قلبی و دفاع ایدئولوژیک.
- **عقد :**عضویت فعال و قانونمند در نهادها، احترام به قوانین نظام اسلامی، مشارکت در پروژه‌های جمعی.

- **بیعه :**اطاعت عملی از فرامین رهبری در عرصه‌های مختلف، دفاع از مرجعیت واحد در مقابل تفرقه‌افکنی.

به این ترتیب، **وفاداری از یک حس، به یک «رزومه عملی» قابل ارزیابی تبدیل می‌شود.**

۵ .جمع‌بندی و پیام کلیدی:

»عَهْداً وَعَقْداً وَبَیْعَةً لَهُ فِی عُنُقِی «**بیانیه نظام‌مندی، مسئولیت‌پذیری و تبعیت آگاهانه** است. این فراز بیانگر:

۱. **گذار از حرف به عمل ساختاری :**نشان می‌دهد انقلاب واقعی، **سه مرحله گریزناپذیر** دارد :**ایمان (عهد)، قانون (عقد)، رهبری (بیعه).**
۲. **اتمام حجت بر مسئولیت‌گریزی :**هرکس که ادعای انقلابی‌گری دارد، باید پاسخ دهد **عهدش در چه ساختاری (عقد) و تحت چه رهبری (بیعه) متجلی شده است؟**
۳. **تربیت انسان «نظام‌ساز :»**هدف، پرورش افرادی است که **برای ایده‌های خود، قالب عملی و تشکیلاتی می‌سازند** و می‌دانند **پیروی از یک فرماندهی واحد، شرط بقای آن ساختار است.**
٤. **سنگین‌سازی انتخابات :**این زنجیر، انتخابات را از **یک ترجیح ساده** به **یک تعهد تمام‌عُمر دشوار اما شرافتمندانه** ارتقا می‌دهد.
٥. **ضدیت با آنارشیسم :**این شعار، **دشمن آشکار هرج‌ومرج فکری و عملی** و پرچمدار **نظم انقلابی مبتنی بر مبانی است.**

نتیجه برای گفتمان انقلابی و تشکیلات:
تشکیلات انقلابی که بر این سرفصل استوار باشد، **تشکیلاتی شفاف، مسئولیت‌پذیر، قانون‌مدار و منسجم** خواهد بود. اعضای آن نه هوادارانی متغیر، که **سربازانی متعهد به یک زنجیره عملیاتی مشخص** هستند. این، **پادزهر شکست‌های ناشی از پراکندگی و بی‌برنامگی** در تاریخ جنبش‌هاست.

فصل چهارم: استقامتِ ایدئولوژیک (لَا أَحُولُ عَنْها) تبیین بر اساس مفاد ارائه‌شده با رویکردی نظام‌مند

۱ .تحلیل مفهومی و جایگاه راهبردی: نفی «حول» به مثابه استراتژی بقا

الف) معناشناسی «حول» و دشمن شناسی عمیق:
»حول» در لغت به معنای **تحول، تغییر وضعیت، و در اینجا چرخش و انحراف از مدار اصلی** است. دشمن اصلی هر انقلاب اصیل، **حمله مستقیم** نیست، بلکه **ایجاد «حول» در صفوف آن** است؛ یعنی القاء تردید، تزلزل، تغییر جهت‌های کوچک انباشتی (اصلاحات تدریجی انحرافی) و در نهایت، **استحاله درونی** .بنابراین، شعار «لَا أَحُولُ عَنْها» یک **استراتژی دفاعی فعال** و **پاسخ هوشیارانه به اصلی‌ترین توطئه دشمن** است. این فراز، **خط قرمز ایدئولوژیک** را ترسیم می‌کند.

ب) از ثبات شخصیتی تا ثبات اجتماعی:
این پایداری، یک فضیلت فردی محض نیست، بلکه **شرط لازم برای سلامت و استمرار یک «سیستم فکری-اجتماعی»** (مکتب/انقلاب) است. جامعه‌ای که اعضای آن نسبت به اصول خود «حول‌پذیر» باشند، به سرعت

هویت جمعی خود را از دست داده و در برابر جریان‌های مسلط زمانه **مضمحل** می‌شود. این شعار، **سیمان هویت‌ساز** جامعه مؤمنان است.

۲ .معرفت انقلابی: شعار ضد انحراف و ضد التقاط

الف) مرزبندی آشکار با جریان‌های انحرافی:
«لَا أَحُولُ» به معنای **نفی صریح هرگونه التقاط** است. التقاط یعنی آمیختن اصول مکتب با عناصر ناسازگار از دیگر مکاتب (لیبرالیسم، مارکسیسم، صوفیگری انفعالی و...) که نتیجه آن، **از دست دادن خلوص و کارایی انقلابی** است. انقلاب‌های بزرگ، هنگامی شکست خورده‌اند که **چارچوب‌های ایدئولوژیک** آنها دچار اختلاط و انعطاف‌پذیری مرگبار شده است. این شعار، پرچم **حفظ خلوص مکتب** است.

ب) مدگرایی و فشار دشمن، دو محرک اصلی «حول»:

- **مقاومت در برابر مُدهای فکری :**جریان‌های فکری روز (ترندها) که با حمایت رسانه‌های جهانی تبلیغ می‌شوند، همواره می‌کوشند انقلابیون را به **تغییر موضع** بر اساس معیارهای «جهانی شدن» یا «عقلانیت مدرن» وسوسه کنند. «لَا أَحُولُ» یعنی ما **زمان‌مدار** نیستیم، **حقیقت‌مدار** هستیم. حقیقتی که در اصول مکتب تبلور یافته است.
- **مقاومت در برابر فشار سیستمی :**نظام سلطه (استکبار) برای وادار کردن انقلاب‌ها به عقب‌نشینی، از ابزار **تحریم، تهدید، جنگ روانی و دیپلماسی فشاری** استفاده می‌کند. هدف نهایی، ایجاد «حول» در اراده و خط مشی است. این شعار، اعلام می‌کند که **فشار خارجی، محرک تغییر اصول ما نخواهد بود.**

۳ .کاربرد فکری و عملی: تقویت روحیه نقد و پایبندی به عهد

الف) تقویت روحیه نقد جریان‌های انحرافی:
شخص یا جامعه‌ای که خود را متعهد به «لَا أَحُولُ» می‌داند، **جرأت و تکلیف نقد** پیدا می‌کند. زیرا:

۱. **معیار ثابتی** برای سنجش دارد (اصول مکتب).
۲. **ترسی از برچسب‌خوری** (ارتجاع، بنیادگرایی و...) ندارد، زیرا ثبات بر حق، خود بزرگ‌ترین پشتوانه است.
۳. **نقد انحرافی** را نه یک «تفاوت نظر» معمولی، که یک **تهدید وجودی** برای مکتب می‌داند و با آن برخورد اصولی می‌کند.

ب) نفی نسبیت‌گرایی مذهبی در اصول:
گفتمان پسامدرن و نسبیت‌گرایی فرهنگی می‌کوشد همه اندیشه‌ها را **هم‌ارز** و **وابسته به زمینه** قلمداد کند. این نگاه، **سلاح مطلوب برای خلع سلاح ایدئولوژیک انقلاب‌ها** است. «لَا أَحُولُ عَنْها» پاسخی دندان‌شکن به این ادعاست : **اصول ما مطلق، تغییرناپذیر و فرازمانی-فرامکانی است** .این، به معنای نفی **اجتهاد پویا در فروع** نیست، بلکه تأکید بر **ثبات و یقینی بودن اصول کلان جهان‌بینی و ارزش‌ها** است.

ج) پایبندی به عهد، محک عمل‌گرایی:
این استقامت، یک **عهد و پیمان عملی** است. وفاداری به این پیمان در میدان‌های زیر محک می‌خورد:

- **میدان سیاست :**عدم سازش در اصول (مانند عدالت، استکبارستیزی، حمایت از مستضعفان) برای کسب منافع مادی یا موقعیت بین‌المللی.
- **میدان فرهنگ :**مقاومت در برابر هجوم فرهنگی و حفظ اصالت‌ها.

- **میدان اقتصاد :**عدم انحراف به سمت مدل‌های اقتصادی ناسازگار با اصول عدالت اسلامی.
- **میدان زندگی شخصی :**حفظ خط مشی اخلاقی و عبادی در برابر جاذبه‌های مادی و شهوانی.

۴ .جمع‌بندی و پیام کلیدی:

»لَا أَحُولُ عَنْها «**مانیفست استقامت و بصیرت ایدئولوژیک** است. این شعار بیانگر:

۱. **هوشیاری کامل :**نسبت به اصلی‌ترین تاکتیک دشمن برای نابودی انقلاب، یعنی **استحاله درونی**.
۲. **هویت‌سازی جمعی :**ایجاد دیواره‌ای محکم در برابر سیل‌های فکری و فشارهای سیاسی.
۳. **معیار شفاف برای نقد :**تعیین خطکشی دقیق برای تشخیص و مقابله با انحراف و التقاط.
٤. **نفی جذابیت‌های ویرانگر :**مقاومت در برابر سه جاذبه مهلک :**مد روز، زرق و برق دنیا، و فشار نظام سلطه**.
٥. **تکیه‌گاه عمل :**تبدیل **اصول** از مفهوم نظری به **عهد عملی** در تمامی عرصه‌های زندگی فردی و اجتماعی.

نتیجه برای گفتمان انقلابی:

انقلابی که بر این شعار پایدار بماند، **قابل پیش‌بینی برای دشمن (در اصول)** ولی **غیرقابل مهار و منحرف‌شدنی** است. وظیفه نخبگان و توده‌های انقلابی، **تعمیق فهم اصولی** از مکتب است تا بتوانند **«حول»های کوچک و بزرگ** را به موقع تشخیص داده و با روحیه‌ای مستحکم، پاسخ دهند :**«لَا أَحُولُ عَنْها أَبَداً».** این، رمز ماندگاری و تداوم حرکت انقلابی در مسیر آرمان‌های بلندش است.

سرفصل پنجم: استمرارِ تاریخی (وَلَا أَزُولُ أَبَداً)
تبیین بر اساس مفاد ارائه‌شوده با رویکردی آینده‌ساز و مأموریت‌محور

۱ .تحلیل مفهومی و ژرف‌شناسی: نفی «زوال» به مثابه فلسفه وجودی

الف) معناشناسی «زوال» و جنگ روایتی:

«زوال» به معنای **نابودی، محو شدن، به پایان رسیدن و تبدیل شدن به خاطره‌ای تاریخی** است. پروژه اصلی استکبار علیه انقلاب‌های پایدار، نه تنها شکست مادی، که **تحمیل روایت زوال** است؛ یعنی القاء این اندیشه که «شما پدیده‌ای متعلق به گذشته، ناکارآمد و محکوم به فنا هستید». «وَلَا أَزُولُ أَبَداً» یک **انقلاب در روایت** است. این فراز، نه یک آرزو، که یک **تصریح هستی‌شناختی** است: ما به عنوان جریان حق، **ذاتاً زوال‌ناپذیر و تاریخ‌فراتر** هستیم. این، ادعای **بقای فعال** است، نه بقای منفعلانه.

ب) از فرد تا امت: ایجاد هویت فرازمانی:

این پایداری، محدود به عمر فرد یا یک نسل نیست. این، **تعریف هویت برای یک «امت»** است. امتی که خود را

وارث انبیاء و ائمه(ع) و پیش‌قراولان ظهور می‌داند، نمی‌تواند برای خود سرانجامی جز **حضور مستمر و تأثیرگذار در پهنه تاریخ** متصور شود. «لَا أَزُولُ» یعنی ما **خود را یک جریان تاریخ‌ساز می‌دانیم، نه یک حادثه تاریخ‌گذشته.**

۲ .معرفت انقلابی: پاسخ به پروژه ناامیدی و ادعای جاودانگی

الف) جنگ با یأس به مثابه سلاح استراتژیک دشمن:
نظام سلطه با ابزارهای رسانه‌ای، آکادمیک و فرهنگی می‌کوشد **ویروس یأس** را تزریق کند: «شما شکست خواهید خورد»، «ایدئولوژی شما پاسخگوی دنیای مدرن نیست»، «این راه به بن‌بست رسیده است». «لَا أَزُولُ أَبَداً «**پادزهر این یأس سیستماتیک** است. این شعار، برخاسته از **امید متکی به وعده الهی** است و در مقابل، **پروژه ناامیدی دشمن را بی‌اثر** می‌کند.

ب) ادعای جاودانگی در برابر موقتی‌انگاری:
دشمن می‌کوشد انقلاب را «**اتفاقی موقت**»، محصول شرایط خاص تاریخی و در نتیجه «**گذرا**» جلوه دهد. اما این فراز با صراحت اعلام می‌کند که این راه، **فراتر از شرایط متغیر تاریخی** است. زیرا ریشه در **فطرت انسان** و **مکتبی الهی** دارد که با تحولات مادی زایل نمی‌شود. این، **جاودانگی یک انتخاب تاریخی** نیست، **تداوم یک حقیقت فراتاریخی** است.

۳ .کاربرد فکری و تشکیلاتی: زنجیره بی‌پایان و مأموریت نسلی

الف) اساس کار تشکیلاتی نسل به نسل:
«لَا أَزُولُ» سنگ بنای **تفکر تشکیلاتی بلندمدت** است. به اعضا می‌آموزد که آنها:

۱. **حلقه‌ای از یک زنجیره بی‌پایان** هستند.
۲. **وظیفه‌شان حفظ میراث نیست، بلکه توسعه و تقویت آن** برای تحویل به نسل بعد است.
۳. **کار آنها «نگهبانی» از گذشته نیست، بلکه «ساختن» پلی به سوی آینده‌ای روشن‌تر است .**این نگاه، از تشکیلات یک **سازمان مقطعی**، یک **جنبش تمدنی دائمی** می‌سازد.

ب) پاسخ به شبیخون فرهنگیِ قطع نسل‌ها:
یکی از خطرناک‌ترین توطئه‌های دشمن، **ایجاد گسست بین نسل انقلاب و نسل‌های بعدی** است؛ القای این حس که «این آرمان‌ها مال پدران شما بود، شما برای خودتان زندگی کنید». شعار «لَا أَزُولُ أَبَداً» به این نسل‌ها هویت می‌بخشد:«**شما وارث این حرکت ابدی هستید. این مشعل متعلق به شما نیز هست و باید آن را با درخشش بیشتری به دست آیندگان بسپارید**». این، **ایجاد حس تعلق و مأموریت مشترک در طول زمان** است.

۴ .کاربرد تبلیغی و تربیتی: ساختن انسان «فرامرزی»

الف) تربیت انسان «صاحب پروژه تاریخی»:
تبلیغ مبتنی بر این فراز، به دنبال ساختن افرادی است که:

- **خود را فراتر از عمر شخصی‌شان تعریف می‌کنند.**
- **برای آینده‌ای دورتر از حیات خود برنامه‌ریزی و تلاش می‌کنند.**
- **در هر عمل خود، تأثیر آن بر نسل‌های آینده را می‌سنجند.**

این، تربیت **سربازان یک جریان دائمی** است، نه **کارکنان یک پروژه مقطعی.**

ب) تبدیل شعار به استراتژی عملی:
این ادعای جاودانگی، مستلزم برنامه‌ریزی برای تضمین آن است. در سطح تبلیغ و عمل باید بر این موارد تأکید کرد:

- **مستندسازی و انتقال تجربیات** به نسل بعد.
- **نظام آموزش گام به گام و مرحله‌ای** برای جوانان.
- **ایجاد نهادها و ساختارهای پایدار** که فراتر از شخصیت‌ها عمل کنند.
- **توجه ویژه به تربیت کودکان و نوجوانان** به عنوان مالکین اصلی آینده این مسیر.

۵ .جمع‌بندی و پیام کلیدی:

«وَلَا أَزُولُ أَبَداً» **بیانیه پیروزی قطعی و مأموریت بی‌پایان** است. این شعار بیانگر:

۱. **روایت‌شکنی :**نفی کامل روایت دشمن مبنی بر موقتی و زوال‌پذیر بودن انقلاب.
۲. **هویت‌بخشی فرازمانی :**تعریف خود به عنوان جریانی که دیروز، امروز و فردای تاریخ را به هم پیوند می‌زند.
۳. **تکلیف نسلی :**تبدیل شدن هر فرد به **امانتدار و توسعه‌دهنده** یک میراث جاودان، نه فقط مصرف‌کننده آن.
٤. **امیدافزایی استراتژیک :**تبدیل امید از یک «احساس» به یک «تکلیف عقیدتی» و **سلاح مقابله با جنگ روانی دشمن.**
٥. **پویایی در تداوم :**تأکید بر اینکه «ماندن» به معنای «سکون» نیست؛ **ماندنِ ما، ماندنی فعال، پیش‌برنده و تاریخ‌ساز است.**

نتیجه برای گفتمان انقلابی و تشکیلات:
انقلابی که این شعار را سرلوحه کار خود قرار دهد، **هرگز کهنه نمی‌شود**، زیرا دائماً در حال **تولد مجدد از درون نسل‌های جدید** است. وظیفه ما، نه فقط گفتن «ما زوال‌ناپذیریم»، بلکه **ساختن سازوکارها، تربیت انسان‌ها و خلق روایت‌هایی است که این ادعای بزرگ را در طول تاریخ محقق و ملموس کند .**این، **عهد ما با آینده و پاسخ ما به پروژه نابودی دشمن است که ان شاالله تحت توجهات باریتعالی و عنایات امام عصر(عج) و رهبری حکیمانه رهبر معظم انقلاب اسلامی حضرت امام خامنه‌ای محقق خواهد شد.**

اللّٰهُمَّ أَرِنِي الطَّلْعَةَ الرَّشِيدَةَ، وَالْغُرَّةَ الْحَمِيدَةَ،

وَاكْحُلْ ناظِرِي بِنَظْرَةٍ مِنّي إِلَيْهِ،

وَعَجِّلْ فَرَجَهُ، وَسَهِّلْ مَخْرَجَهُ،

وَأَوْسِعْ مَنْهَجَهُ،

وَاسْلُكْ بِي مَحَجَّتَهُ،

وَأَنْفِذْ أَمْرَهُ،

وَاشْدُدْ أَزْرَهُ.